فاطمه سلیمانی از علایق فرهنگی پدرش گفت اما...

دنیای بزرگ حاجی و جهان کوچک سانسورچی‌ها

عاطفه جعفری
خبرنگار گروه فرهنگ

شهرت و اعتبار حاج‌قاسم سلیمانی در روزگار امروز ایران، فارغ از همه ارزش‌های انسانی او، حاصل یک نیاز در بطن جامعه‌ای بود که میل مفرطی برای تماشای تمام‌قد یک الگوی واقعی داشت. الگویی برای شهروند قرن بیست‌ویکمی که هم دل در گرو آرمان و عقیده دارد و هم نمی‌خواهد واقعیت‌های اکنون زندگی‌بن‌بست‌آرمان‌هایش باشند. حاج‌قاسم‌سلیمانی‌مبتنی‌بر زیستی که انتخاب کرده بود، از شهرت فراری بود اما دوربین‌ها و قلم‌ها شیفته او شدند و این آغازی بود برای روایت کردن از مردی که در کلیشه‌های پیشین رسانه‌ها جایی نداشت. حتی رسانه‌هایی همچون تلویزیون تا مدتی گیج بودند که چگونه می‌شود این سرباز نام‌آور زمانه در سال‌های دهه ۶۰ را برای دهه‌نودی‌ها معرفی کرد. البته همچنان بعد از سه سال از شهادت حاج‌قاسم، نمایش تمام‌قدامان مرد، خارج از قهرمانی‌های خیلی خیلی است که دوست دارند این قهرمان ملی را در کلیشه‌های مرسوم محدود کنند. نمونه اخیر مثل همین اتفاقی است که در سانسور برنامه مهلا دیده می‌شود. دختر شهید حاج قاسم سلیمانی در برنامه از سریال‌هایی نام می‌برد که پدرش به تماشایشان علاقه‌مند بود و می‌گوید مثلا در کنار پدر سریال‌های خارجی مثل ۲۴ یا، خانه کاغذی را می‌دیدند. یا در جایی دیگر می‌گوید سریال‌های طنز تلویزیون مثل کارهای مهمان مدیری را می‌دیده‌است. امادر اتفاقی عجیب، این بخش‌ها از بسترهای پخشی مثل سوپرابلیکیشن روبیکا حذف شدند. آن چیزی که فاطمه سلیمانی در این گفت‌وگو اشاره کرده برای اهالی فرهنگ و هنر، خیلی عجیب‌وغریب نیست. اگرچه حاج‌قاسم یک سردار نظامی بود اما ارتباطی دقیق و حساب‌شده با هنرمندان داشت و تمایلش به کارهای هنری و سینمایی هم بر کسی پوشیده نبود. حاج‌قاسم گنش‌های فرهنگی دقیق و به‌جایی داشت، اتفاقا بعد از شهادتش، یکی از سوگواران اصلی، فیلمسازان و نویسندگانی بودند که با او دیدار داشتند و خاطراتی را از دغدغه‌های فرهنگی و همچنین میزان رواداری او در تولید اثر هنری نقل کرده‌اند. حالا مساله این نیست که چرا قسمت‌هایی از یک مصاحبه حذف شده است یا اینکه ما بخواهیم اندازه حاج‌قاسم را به فردی که کنار خانواده سریال خارجی می‌دیده، محدود کنیم؛ بلکه مساله اصلی این است که به نظر می‌رسد کسانی هستند که نمی‌توانند یا اصلا نمی‌خواهند فهم کنند که حاج‌قاسم متفاوت از خودشان فکر می‌کرده‌است، برای همین است که دوست دارند قد حاج‌قاسم را به اندازه فهم خودشان کوتاه نگه دارند و جا قهوه دست آن بخش از شخصیت شهید را به اندازه شابلون‌های ذهنی خودشان قیچی می‌کنند. در گزارش پیش رو بخش‌هایی از تعامل حاج‌قاسم سلیمانی با برخی از هنرمندان و همچنین ارتباطش با فرهنگ رامرور کرده‌ایم.

قولی که حاتمی‌کیا به حاج‌قاسم داد

ابراهیم حاتمی‌کیا که نامی شناخته‌شده در حوزه فیلمسازی است، سابقه ساخت به‌وقت شام را به زمان پخش «بادیگارد» مرتبط می‌داند و در این باره گفته است: «در این فیلم می‌خواستم ارادتم را به‌نوعی به ایشان نشان دهم؛ یعنی آشکارا عکس ایشان را برای خودمان گذاشتیم و گریمور ما کاملا براساس آن روی چهره بازیگر اصلی (پرویز پرستویی) کار کرد. البته این طور نبود که این شخصیت فیلم همان حاج‌قاسم باشد و فقط می‌خواستم کمی به او نزدیک شود. در دیداری هم که داشتیم (در دفتر شهید سلیمانی) فیلم را دید و پسندید و خیلی محبت کرد. همان موقع سوژه فیلم به وقت شام را مطرح کردم و می‌خواستم اجازه داده شود که تحقیق کنم. شکایت کردم که من می‌خواهم منطقه رابینیو و در جریان فضا باشم اما راه نمی‌دادند و سخت می‌گرفتند. هرچند علت آن را از جهت مسائل امنیتی و اینکه اسم و رسمی داشتیم و مشکلاتی ممکن بود پیش آید می‌فهمیدم ولی دیگر التماس کردم و در آن اولین جلسه که ایشان را دیدم خیلی صریح اعتراض کردم. ایشان با تحمل گوش داد و گفتم به جای اینکه مرا تشویق کنید، من باید التماس کنم و به هر دری بزنم که چرا راه جلوی من باز نیست؟ درنهایت اجازه داد و حتی یکی از بزرگ‌ترین افرادی که داشتند در منطقه هم خیلی مؤثر بود کنار من گذاشت و از او مبنای شکل‌گیری اتفاقات در سوریه با تمام جزئیات برایم گفت. اتفاقی که در آنجا افتاد و من بابتش تکان خوردم این بود که ناگهان دیدم بچه‌هایی که می‌شناختم و جز در فیلم‌های «روایت فتح» ندیده‌ایم، آنجا هستند. انگار زمان پس‌وپیش شده بود و این برایم خیلی جالب بود که متوجه شدم اینها تمام نشده‌اند و راه هنوز ادامه دارد. من فیلمنامه (به وقت شام) را برای حاج‌قاسم فرستادم و مشتاق بودم که بخواند و جواب دهد. مطمئن بودم که دلش شور می‌زند که این پسر می‌خواهد چه کار کند. وقتی هم فیلم آماده شد خیلی نگرانی داشتم که حاج‌قاسم باید این را ببیند چون اگرچه فیلم درباره خودش نبود اما به هرحال درباره نیروهای او و مقاومت بود و اینها هم سینماست که نوعی از تبلیغ است و باید به شکل خاص بگویم. البته خودم را مجاز به گفتن هم چیزی نمی‌دانم ولی الحمدلله وقتی فیلم تمام شد چشم‌های اشک‌آلودش را که دیدم و در راهرو دست مرا تا مسیری گرفت، دیگر نفسم بازشد. حاج‌قاسم پیش از اندازه محبت داشت. البته نمی‌گویم که به وقت شام فیلم بدی است ولی در مقابل آنچه این عزیزان انجام می‌دادند خیلی کوچک است. این هم اصلا محل بروز ایده و برخودستایی و شکسته‌نفسی نیست چون تا اندازه‌ای می‌توان یک سری حرف‌ها را گفت و مطمئنم حاج‌قاسم از این مسائل خیلی داشت و با خودش برد. اینها همه درحالی است که سینما هم نمی‌خواست وارد این بحث شود و دوستان خیلی خوبی داشتم که توصیه می‌کردند اصلا وارد این موضوع‌ها نشوم. الان هم دیگر می‌بینیم و بر همه آشکار است که داعش چه می‌کند، در شیراز چه کرد. «خراجی، تهیه‌کننده به وقت شام درباره این فیلم گفته است: «آقای حاتمی کیا برای تحقیقات با همافکنی سازمان لوح به سوریه رفتند و این مرحله چند ماه طول کشید و با همافکنی‌هایی که حاج‌قاسم دستور آنها را داده بود همه جا حضور داشت و شرایط حضور در مناطق جنگی هم فراوانی درحد «نیک پارک» اینماتور کمپانی و والت دیزنی دست یافته است و از مشهورترین و تاثیرگذارترین اینماتورهای تاریخ سینما محسوب می‌شود. راهبود مست مرا تا مسیری گرفت، دیگر نفسم بازشد. حاج‌قاسم پیش از اندازه محبت داشت. البته نمی‌گویم که به وقت شام فیلم بدی است ولی در مقابل آنچه این عزیزان انجام می‌دادند خیلی کوچک است. این هم اصلا محل بروز ایده و برخودستایی و شکسته‌نفسی نیست چون تا اندازه‌ای می‌توان یک سری حرف‌ها را گفت و مطمئنم حاج‌قاسم از این مسائل خیلی داشت و با خودش برد. اینها همه درحالی است که سینما هم نمی‌خواست وارد این بحث شود و دوستان خیلی خوبی داشتم که توصیه می‌کردند اصلا وارد این موضوع‌ها نشوم. الان هم دیگر می‌بینیم و بر همه آشکار است که داعش چه می‌کند، در شیراز چه کرد. «خراجی، تهیه‌کننده به وقت شام درباره این فیلم گفته است: «آقای حاتمی کیا برای تحقیقات با همافکنی سازمان لوح به سوریه رفتند و این مرحله چند ماه طول کشید و با همافکنی‌هایی که حاج‌قاسم دستور آنها را داده بود همه جا حضور داشت و شرایط حضور در مناطق جنگی هم فراوانی درحد «نیک پارک» اینماتور کمپانی و والت دیزنی دست یافته است و از مشهورترین و تاثیرگذارترین اینماتورهای تاریخ سینما محسوب می‌شود.

کتاب‌های همیشه همراه

زمانی که حاج‌قاسم زنده بود، چند وقت به چند وقت تصویری از او به همراه یک کتاب بیرون می‌آمد و نشان از کتابخوانی‌اش داشت، هنگام شهادت هم کتابی همراهش بود، پس از مرور اصابت قرار گرفتن خودروی حاج‌قاسم سلیمانی در نزدیکی فرودگاه بغداد تصاویری از برخی وسایل شخصی این سردار شهید در رسانه‌ها منتشر شد. یکی از این وسایل کتاب «گلچین احمدی» مجموعه‌ای از مدایح و مراثی ائمه اطهار بود.

فروردین سال ۹۵ صفحه اینستاگرام حاج‌قاسم عکسی را به اشتراک گذاشته بود که این سردار را در هواپیما و درحال مطالعه یک کتاب یادداشت نوشتن نشان می‌داد. تصویری که در توضیح آن نوشته شده بود: درحال پرواز و مطالعه کتاب گابریل گارسیا مارکز. کتاب «گزارش یک آدم‌ربایی» نوشته گابریل گارسیا مارکز ماجرای سختی‌ها و هراسی‌های ربایش و رهاسازی تعدادی از چهره‌های سرشناس کلمبیا در دهه ۹۰ است و منبع خوبی برای آشنایی با فنون عملیات ربایش و رهایی گروگان به شمار می‌رود. این اثر مارکز، با سایر آثار ادبی و رمان‌های او بسیار متفاوت و روایتی مستند از سلسله ربایش‌های سازمان‌دهی شده است.

ادامه از صفحه ۱۲

۲۳ نفر چطور ساخته شد؟

«۲۳ نفر» در جشنواره فیلم فجر سال ۹۷ اکران شد، خیلی‌ها دوستش داشتند؛ فیلمی که از کتاب آن ۲۳ نفر احمد یوسف‌زاده اقتباس شده بود. سردار سلیمانی به پشت‌صحنه این فیلم رفته بودند و درمورد ساخته شدن آن نظراتی داشت. احمد یوسف‌زاده؛ نویسنده این کتاب که خودش هم یکی از این ۲۳ نفر بود، درمورد این موضوع گفت: «سردار سلیمانی اعتقاد زیادی به کار فرهنگی داشت و در کنگره‌ای که در سال ۷۶ در کرمان برگزار شد در حوزه زندگینامه سرداران شهید استان کرمان، سیستان‌وبلوچستان و هرمزگان بیش از ۵۰ عنوان کتاب تالیف شد. سردار سلیمانی همواره بر انجام کار فرهنگی تاکید می‌کرد به‌ویژه تالیف کتاب و درباره فیلمنامه آن ۲۳ نفر کتابی به یکی از کارگردانان نوشته بود تا این فیلم ساخته شود به‌قدری مشتاق ساخت آن بود که در اولین روز فیلمبرداری سرزده در محل آن حاضر شد و چزء معدود دفاعی بود که در پشت‌صحنه فیلمی حاضر شده بود و با ۲۳ نفر اصلی و ۲۳ نفر نوجوانانی که نقش آنها را بازی می‌کردند به گفت‌وگو پرداخت و با حضور روزی فراموش‌نشدنی برای همه عوامل رقم زد. سردار سلیمانی در ماجرای واقعی ۲۳ نفر در دوران دفاع مقدس در زمان اعزام ۲۳ نفر از نوجوانانی که سن کمی داشتند از صف جدا شد و گفت شما اگر به عملیات بروید نفر اصلی و ۲۳ نفر نوجوانی که نقش آنها را بازی می‌کردند به گفت‌وگو پرداخت و با حضور روزی فراموش‌نشدنی برای همه عوامل رقم زد. سردار سلیمانی در ماجرای واقعی ۲۳ نفر در دوران دفاع مقدس در زمان اعزام ۲۳ نفر از نوجوانانی که سن کمی داشتند از صف جدا شد و گفت شما اگر به عملیات بروید اسیر خواهید شد و نیروهای عراقی از شما می‌خواهند تا بگویید به زور به جبهه فرستاده شده‌اید اما تعدادی از ما با تردیدهای بسیار